

DOI: 10.30512/KQ.2022.17583.3260

مفهوم شناسی واژه «سوره» در آیات قرآن کریم از دیدگاه مفسران*

محمدرضا شریفی نسب^۱

علی حسن بیگی^۲

ابراهیم ابراهیمی^۳

علیرضا طبیبی^۴

چکیده

واژه «سوره» یکی از واژگان مشهور در قرآن کریم بوده و در آیاتی که برای اثبات اعجاز قرآن کریم و رسالت پیامبر اکرم (ص)، به هم‌آوردی یک یا ده سوره تحدی شده، به کار رفته است. در تفسیر واژه «سوره» در آیات قرآن کریم بین مفسران و قرآن‌پژوهان اختلاف نظر وجود دارد. بررسی دیدگاه‌های مختلف در این رابطه نشان می‌دهد در یک برآیند کلی، دو دیدگاه اصلی در این زمینه وجود دارد؛ برخی واژه «سوره» در قرآن کریم را به معنای «بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات» دانسته‌اند و عده‌ای آن را به معنای «مجموعه کامل آیات آغاز شده با بسم‌الله» [سوره کامل] تفسیر کرده‌اند. در پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای، مستندات هر دو دیدگاه گردآوری شده و با ارزیابی این ادله، به دست آمده است که مستندات دیدگاه تفسیر «سوره» به معنای «بخش و طائفه‌ای از آیات» دارای ضعف است و توان اثبات مدعا را ندارند. بر این اساس، تفسیر این واژه به معنای متداولش یعنی «مجموعه کامل آیات آغاز شده با بسم‌الله»، مناسب‌ترین وجه تفسیری دانسته شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، سوره، آیات تحدی، بسم‌الله، تفسیر.

* تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۸/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشجوی دکتری الهیات - علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسئول) /

m.rezasharifinasab@yahoo.com

۲. دانشیار گروه الهیات - علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران / a-

hasanbagi@araku.ac.ir

۳. استاد گروه الهیات - علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران / Ebrahimi978@atu.ac.ir

۴. دانشیار گروه الهیات - علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران / a-tabibi@araku.ac.ir

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

۱- بیان مسأله

تفسیر آیات قرآن کریم به عنوان کشف مقاصد الهی از آیات قرآن، از ارزشمندترین علوم نزد مسلمانان به شمار می‌آید که هدف از آن دستیابی به معارف و حیانی و زمینه‌سازی برای هدایت و سعادت بشری از رهگذر درک معارف قرآنی و عمل به آن است. یکی از واژگان قرآنی، واژه «سوره» است که به گونه‌های مختلف، و از جمله در آیات تحدی، به کار رفته است. «سوره» به صورت مفرد نُه بار (بقره: ۲۳/۲؛ توبه: ۹/۶۴ و ۸۶ و ۱۲۴ و ۱۲۷؛ یونس: ۳۸/۱۰؛ نور: ۱/۲۴؛ محمد: ۲۰/۴۷) و به صورت جمع («سُور») یک بار (هود: ۱۳/۱۱) استعمال شده است.

در تفسیر معنای «سوره» بین مفسران و قرآن‌پژوهان، اختلاف است. اینکه مقصود از این واژه در آیات قرآن کریم چیست؟ و مستندات دیدگاه‌های مختلف در این رابطه چیست؟ مسأله پژوهش حاضر را شکل می‌دهد. آیا واژه «سوره» در تمام آیات یاد ده به معنای «مجموعه کامل آیات آغاز شده با بسم‌الله»، یعنی سوره کامل و معنای متداول امروزی است؟ یا در تمام این آیات، معنای «بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات»، یعنی مجموعه‌ای منسجم و مرتبط و به هم پیوسته از آیات، مراد است؟ آیا ممکن است در برخی آیات، معنای اول و در برخی دیگر، معنای دوم قصد شده باشد؟ آیا می‌تواند در تمام آیات، هر دو معنا مراد باشد؟ آیا ممکن است «سوره» در بعضی آیات، به معنای متداول، یعنی «مجموعه کامل آیات آغاز شده با بسم‌الله» و در برخی دیگر، به هر دو معنا (هم معنای متداول امروزی و هم معنای بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات) به کار رفته باشد؟ و یا در برخی آیات، تنها به معنای «مجموعه کامل آیات آغاز شده با بسم‌الله» و در برخی دیگر از آیات، تنها به معنای «بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات» و در برخی دیگر از آیات نیز، هر دو معنا محتمل باشد؟

در این زمینه، دیدگاه‌های گوناگونی در بین مفسران وجود دارد؛ اما از آنجا که همه این اختلاف نظرها به اختلاف دو دیدگاه اصلی در مفهوم «سوره»، یعنی «سوره» به معنای متداول امروزی اش - «مجموعه کامل آیات آغاز شده با بسم‌الله» - و «سوره» به معنای «بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات» باز می‌گردد، نوشتار پیش‌رو بر گردآوری و ارزیابی ادله این دو دیدگاه تمرکز کرده است تا میزان اتقان و قوت دلایل هر یک از این نظریات سنجیده شود و بتوان به تفسیر و معنای دقیق این واژه قرآنی دست یافت.

بر اساس جستجوی انجام‌گرفته، تاکنون پژوهشی مستقل و کامل پیرامون مفهوم واژه «سوره» در آیات قرآن کریم انجام نشده؛ بلکه نهایتاً به عنوان بحثی فرعی و غیرمستقل در لابه‌لای برخی تفاسیر و ذیل بعضی از آیات مزبور، مورد اشاره قرار گرفته است. در این مقاله، ضمن آنکه به صورت مستقل و تفصیلی به بررسی دیدگاه‌های مطرح پیرامون این واژه پرداخته شده است، تلاش می‌شود که افزون بر گردآوری دلایل و مستندات پراکنده این نظرات، آن‌ها را مورد ارزیابی و نقد قرار دهد و در نهایت، با تکیه بر این ارزیابی‌ها، دیدگاهی را برگزید که به واقعیت نزدیک‌تر باشد.

۲- مفهوم‌شناسی سوره

در ادامه، مفهوم سوره از نظر لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- مفهوم لغوی «سوره»

در ریشه اشتقاق واژه «سوره» دو احتمال مطرح است که ماده هر ریشه، معانی متفاوتی دارد. احتمال اول، اشتقاق «سوره» از ماده «سور» (اجوف واوی) است که در لغت به معنای دیوار شهر (ابن منظور، بی تا، ج ۴، ص ۳۸۶)، مقام و منزلت (ابن درید، بی تا، ج ۲، ص ۲۴۷)، شرف و برتری (ابن منظور، بی تا، ج ۴، ص ۳۸۶)، منزلت بلند (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۴۳۴)، ساختمان بلند و زیبا (ابن منظور، بی تا، ج ۴، ص ۳۸۶) می باشد. احتمال دیگر، اشتقاق آن از ریشه «سُور» (مهموز العین) به معنای باقیمانده چیزی است (ابن درید، بی تا، ج ۲، ص ۱۵۷).

در اینکه سوره از کدام ریشه و از کدام یک از معانی آن ریشه، مشتق شده است و وجه نام گذاری آیاتی از قرآن به عنوان «سوره» چیست، اقوال و دیدگاه های مختلفی وجود دارد: برخی «سوره» را اجوف واوی و به معنای بار و دیوار شهر دانسته اند؛ زیرا سوره طایفه ای از قرآن است که گردآرد آیه ها را فراگرفته یا دسته ای از آیات است که علوم مختلفی را در خود جا داده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۴۹) همانطور که دیوار و باروی یک شهر، آنچه را که در آن وجود دارد، در برمی گیرد (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۹).

برخی دیگر آن را از همان ریشه به معنای شرف، منزلت و پایگاه بلند دانسته اند چراکه سوره قرآن، چون سخن خداست، دارای شرف، منزلت و جایگاه بلندی در دین است (همان، همانجا) یا از آن جهت که سوره های قرآن هر کدام دارای رتبه خاصی است (همان، همانجا) یا از آن جهت که سوره های قرآن به منزله منازل و مراتب قرآن است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۳۹) یا اینکه هر سوره ای از قرآن به منزله درجه و منزل بلندی است که قاری از آن به منزل دیگری بالا می رود تا اینکه تلاوت قرآن کامل شود (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۵۶) و موجب بلندی مرتبه و برتری منزلت قاری آن می گردد (رامیار، ۱۳۶۹، ص ۵۷۸).

به گفته برخی، سوره به علت ترکیب یافتن قسمت های آن با یکدیگر سوره نامیده شده است، از باب «تسور» به معنای تصاعد و بالارفتن و سوار شدن قسمتی بر قسمت دیگر و از همین باب است آیه شریفه: ﴿إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ﴾ (ص: ۲۱/۳۸) (سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۹۱). عده ای دیگر بر این باورند که سوره از «سوار»، معرب «دستواره یا دستبند» می باشد و چون سوره قرآن مانند دستواره ای، آیاتی از قرآن را در بر گرفته است، «سوره» نامیده اند (حجتی، ۱۳۷۶، ص ۸۳). در مقابل، قتیبی «سوره» را مهموز از ریشه «سُور» به معنای باقیمانده از چیزی دانسته است؛ زیرا سوره بخشی از قرآن است (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۹).

۲-۲- مفهوم اصطلاحی «سوره»

«سوره» در اصطلاح امروزی در میان مفسران و قرآن پژوهان و حتی عموم مردم، دارای معنای شناخته شده ای است که به ۱۱۴ سوره قرآن کریم اشاره دارد؛ هرچند تعاریف مختلفی برای این معنای شناخته شده، مطرح شده است.

جعبری گوید: سوره بخشی از آیات قرآن است که دارای آغاز و انجامی است (حجتی، ۱۳۷۶، ص ۸۴). طباطبایی معتقد است: سوره مجموعه ای از سخن الهی است که با بسم الله آغاز شده و در راستای غرض

خاصی قرار دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۳۱). وی تنها سوره برائت را از آن استثنا می‌کند. از دیدگاه معرفت هر سوره در واقع هدفی را دنبال می‌کند که با پایان یافتن هدف، سوره نیز پایان می‌یابد و اختلاف در عدد آیات هر سوره نیز، معلول همین علت است (معرفت، ۱۳۸۷، ص ۴۰۶).

به گفته برخی دیگر از محققان، سوره قطعه‌ای از قرآن است که آغاز و انجامی مشخص دارد و از هویت و شخصیتی ویژه برخوردار است. سوره‌ها هر کدام پیکر واحدی هستند که یک روح در تمامی اجزای آن جریان دارد. میان آیه‌های سوره، همبستگی، تناسب و هماهنگی وجود دارد به گونه‌ای که هر سوره دارای موضوعات و اهداف ویژه‌ای است که مفاهیم آن حول محور این اهداف و موضوعات می‌گردند (خرقانی، ۱۳۸۰، صص ۱۲۹-۱۳۰). برخی نیز سوره را گروهی از آیه‌ها که در نظم قرآنی، میان دو «بسم‌الله» و از پی هم قرار گرفته‌اند، دانسته‌اند (رامیار، ۱۳۶۹، ص ۵۷۷).

بنابراین، مفسران و قرآن‌پژوهان و عموم مردم عصر حاضر، در مقصود از اصطلاح «سوره» اختلاف نظری ندارند. آنچه محل اختلاف مفسران و قرآن‌پژوهان است، معنای واژه «سوره» در صدر اسلام و در زمان نزول آیات قرآن کریم است که آیا اصطلاح «سوره» در آن دوره نیز، مانند عصر حاضر به یک سوره کامل اشاره داشته است یا اینکه این اصطلاح در صدر اسلام و در آیات قرآن کریم، به معنای بخش و طائفه‌ای مستقل از آیات قرآن کریم بود، هرچند با «بسم‌الله» آغاز و پایان نداشته باشد؟ در این باره، دو دیدگاه اصلی مطرح است که در ادامه، به آنها پرداخته می‌شود.

۳- سوره به معنای «بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات» در قرآن کریم

در اینجا لازم است، باورمندان و جانب‌داران این دیدگاه نام برده شوند و سپس، دلایل و مستندات آنان تبیین و ارزیابی شود.

۳-۱- باورمندان به معنای «بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات» بودن «سوره»

از دیرباز تاکنون، جمعی از مفسران و قرآن‌پژوهان، معتقد به استعمال واژه «سوره» در قرآن کریم به معنای «بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات» بوده‌اند؛ اما میان معتقدان به این دیدگاه نیز، باور یکسانی وجود نداشته و اختلاف نظرهایی مشاهده می‌شود. برخی واژه «سوره» در سراسر قرآن کریم را تنها به معنای «بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات» می‌دانند. عده‌ای معتقدند، این واژه در سراسر قرآن، هم می‌تواند به همین معنا به کار رفته باشد و هم به معنای سوره کامل و گروهی دیگر نیز بر این باورند که «سوره» در برخی از آیات، فقط به معنای سوره کامل و در برخی از آیات، فقط به معنای «بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات» است.

یکی از کسانی که واژه «سوره» در همه آیات قرآن کریم را تنها به معنای «بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات» می‌داند، راغب اصفهانی است. وی در کتاب «مفردات الفاظ قرآن» در تبیین آیه ﴿سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا...﴾ (نور: ۱/۲۴)، سوره را به معنای مجموعه‌ای از احکام تفسیر کرده است: «أَي: جُمْلَةٌ مِنَ الْأَحْكَامِ وَالْحِكْمِ» (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۴۳۴). از آنجا که راغب در تفسیر سوره نور- که بسیاری از مفسران معتقد به همین دیدگاه، واژه مذکور در این آیه را به معنای متداول امروزی و سوره کامل می‌دانند- واژه «سوره» را به

معنای «بخش مستقل» تفسیر می‌کند، روشن می‌شود که به طریق اولی در دیگر آیات قرآن، همین معنای «بخش مستقل» را صحیح می‌داند.

از جمله افراد دیگری که هم عقیده با راغب اصفهانی است، ابوالحسن بقاعی (م. ۸۸۵ق) است. بقاعی با استناد به اینکه سوره به معنای سوره کامل، فقط در میان تصدیق‌کنندگان قرآن شناخته شده بود، این کلمه را در همه موارد یادشده به معنای طائفه‌ای از آیات دانسته و بر این باور است که سوره در آیات یادشده، قطعه‌ای از قرآن است که به شدت بین اجزای آن انسجام باشد (بقاعی، ۱۹۹۲، ج ۱، صص ۱۶۲ و ۱۶۸/ج ۸، صص ۶۴ و ۵۱۵ و ۵۶۹).

از صادقی تهرانی نیز می‌توان به عنوان یکی دیگر از مفسران معتقد به این دیدگاه نام برد. وی کاربرد سوره را در قرآن کریم به معنای رایج و متداول امروزی‌اش نمی‌داند؛ بلکه آن را مجموعه کلماتی می‌داند که دلالتی مستقل بر مطلبی دارد؛ اگرچه در یک آیه باشد. «سوره» مجموعه آیاتی - ولو دو یا یک آیه - است که مطلبی را مستقلاً بیانگر است؛ چون اصولاً سوره از «سور» به معنای دیوار دور خانه یا آبادی یا شهر یا کشور است که آن را از دیگر جاها جدا می‌سازد. بنابراین، سوره در قرآن - بر خلاف اصطلاح متداول - تنها سوره‌های رسمی قرآن نیست؛ بلکه مطلبی است و حیانی که مستقل باشد و این منافات با آن ندارد که سوره‌های مصطلح هم سوره است؛ زیرا در مجموعه کلی مجموعه آیات مستقل است و با فاصله «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» - جز در براءت - جدا می‌شوند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۱۳، ص ۲۰۱).

مصباح یزدی نیز از جمله قرآن‌پژوهانی است که بر این باور است که «سوره» در آیات تحدی (بقره: ۲/۲۳؛ یونس: ۳۸/۱۰؛ هود: ۱۳/۱۱) به معنای بخش مستقل به کار رفته و نزدیک به معنای «فقره» در عربی، «پاراگراف» در انگلیسی و «فراز» [بخش] در کاربرد رایج فارسی است و مقصود از آن، بخشی از آیات به هم پیوسته و دارای نظم خاص است و سوره به این معنا می‌تواند شامل حتی یک آیه، نظیر «آیه دین» شود. از نگاه وی، یک سوره کامل، چه بسا مشتمل بر ده سوره یا بیشتر به مفهوم فراز مستقل باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۵). لازم به ذکر است، دیدگاه ایشان تنها پیرامون آیات تحدی بوده و درباره مفهوم «سوره» در آیات غیر تحدی سخنی نگفته‌اند.

عده‌ای از مفسران عقیده دارند، واژه «سوره» در سراسر قرآن کریم می‌تواند در هر دو معنای بخش مستقل و سوره کامل به کار رود که طبرسی از آن جمله است. طبرسی معتقد است، «سوره» در قرآن کریم، علاوه بر معنای متداولش می‌تواند به معنای یک بخش مستقل هم به کار رود همانگونه که دو واژه «قرآن» و «کتاب» بر «کل قرآن» و «قسمتی از آن» اطلاق می‌شوند (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۷۵).

زمخشری نیز معتقد است، می‌توان از واژه «سوره» در همه آیاتی که این لغت در آن به کار رفته، معنای بخش و قسمتی از یک سوره را اراده کرد: «يجوز أن يراد السورة بتمامها و أن يراد بعضها في قوله (وَإِذَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ) كما يقع القرآن و الكتاب على كلة و على بعضه» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۰۰).

مفسران دیگری همچون فخر رازی و بیضاوی نیز به تبعیت از زمخشری معتقدند، واژه «سوره» در قرآن کریم می‌تواند هم به معنای سوره کامل به کار رود و هم به معنای قسمتی از یک سوره. به عبارتی، می‌تواند هم به معنای متداول و رایج امروزی‌اش باشد و هم به معنای دسته و طائفه‌ای از آیات (فخر رازی، ۱۴۲۰،

ج ۱۶، ص ۱۱۸/ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۹۲). این دسته از مفسران، واژه «سوره» را مشترک بین دو معنای «سوره کامل» و «قسمتی از یک سوره» دانسته و اطلاق «سوره» بر هر دوی آن‌ها را از باب اشتراک لفظی قلمداد کرده‌اند همانگونه که از نظر آنان، اطلاق دو واژه «قرآن» و «کتاب» بر مجموع قرآن و قسمتی از آن، بر اساس اشتراک لفظی است (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۴۴).

آلوسی از دیگر مفسران قرآن، با آنکه همچون گروه یادشده، استعمال واژه «سوره» در همه آیات را علاوه بر معنای متداولش، به معنای یک بخش مستقل نیز جایز می‌داند؛ اما با سخن زمخشری و پیروانش مخالفت کرده و اطلاق «سوره» بر قسمتی از یک سوره کامل را نه بر اساس اشتراک لفظی سوره بین معنای «سوره کامل» و «جزئی از یک سوره»، بلکه از باب مجاز و بر اساس اطلاق جزء بر کل می‌داند (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۳۴۴).

برخی دانشمندان قرآنی نیز بر این باورند که این واژه در بعضی از آیات، تنها به معنای بخش مستقل و در برخی از آیات، تنها به معنای سوره کامل است. یکی از معتقدان به این دیدگاه، مکارم شیرازی است. ایشان معتقد به کاربرد «سوره» در برخی از آیات به معنای غیر متداول امروزی‌اش می‌باشد و می‌نویسد: «سوره» در اصل به معنی مجموعه و محدوده است و بر مجموعه‌ای از آیات نیز تطبیق می‌کند؛ هرچند یک سوره کامل به اصطلاح معمولی نبوده باشد. به تعبیری دیگر، ایشان کاربرد «سوره» را در دو معنا می‌داند: یکی به معنای مجموع آیاتی که هدف معینی را تعقیب می‌کند [معنای بخش] و دیگر، یک سوره کامل که با بسم‌الله شروع و پیش از بسم‌الله سوره بعد پایان می‌پذیرد [معنای متداول] (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۴۴). ایشان آیه ﴿وَإِذَا أَنْزَلْنَا سُورَةً أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ﴾ (توبه: ۸۶/۹) را یکی از شواهد استعمال واژه «سوره» در غیر معنای متداولش می‌داند. روشن است که منظور از سوره در اینجا، همان آیاتی است که هدف فوق، یعنی ایمان به خدا و جهاد را تعقیب می‌کند؛ هرچند قسمتی از یک سوره کامل باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۴۴).

جوادی آملی نیز به همین دیدگاه باور دارد. ایشان مراد از «سوره» را گاهی همه آیاتی که میان دو بسم‌الله قرار دارند، می‌داند و گاهی بعضی آن را (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۳۵، ص ۹۵). وی معنای محوری ماده «سور» در لغت را هیجان همراه با ارتفاع و اعتلا بیان می‌کند. به همین مناسبت، دیواری که بر روستا یا شهر احاطه دارد و همچنین، سد بزرگی که مانع نفوذ بیگانه است، «سور» نامیده می‌شود. قطعه‌های مختلف کتاب الهی نیز بدین مناسبت به «سوره» موسوم شده که مانند سور شهر یا روستا مانع تهاجم مخالفان است و هر سوره در واقع سوری است بین مؤمنان و کافران و محکم‌ترین توشه معنوی است که با آن، تعرض وسوسه انگیز مخالفان دفع و رفع می‌شود و هر سوره مظهر هیجان و اعتلا و ظهور خداوند در برابر معاندان است. ایشان با این تحلیل لغوی، هر بخش از آیات قرآن کریم که ویژگی مزبور را داشته باشد، یک سوره می‌داند؛ هرچند مصداق کامل سوره را همان قطعه‌ها و واحدهای مشخص و مشهور قرآنی که در اصطلاح به «سوره» موسوم شده است، می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۵۲).

ایشان در ادامه با بررسی تعدادی از آیات مذکور می‌افزاید: در برخی آیات، واژه «سوره» بر سوره کامل اطلاق شده است، مانند ﴿سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا﴾ (نور: ۱/۲۴) که مراد از آن سوره «نور» است

(همچنین، ر.ک: هود: ۱۱/۱۳). در برخی موارد نیز، سوره به دسته‌ای از آیات، گرچه کمتر از سوره کامل باشد، گفته شده است؛ مانند: ﴿يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ﴾ (توبه: ۹/۶۴)، ﴿وَإِذَا أَنْزَلْتَ سُورَةً أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ﴾ (توبه: ۹/۸۶) و ﴿وَإِذَا مَا أَنْزَلْتَ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾ (توبه: ۹/۱۲۴). به اعتقاد ایشان در این موارد، مراد از سوره، «سوره کامل» نیست؛ زیرا هراس منافقان و انتظار مؤمنان درباره نزول سوره تام و کامل نبود. مراد از سوره در این موارد، دسته‌ای از آیات با ویژگی مزبور است. ایشان احتمال می‌دهد، سوره در آیه ۲۳ بقره نیز، سوره کامل و اصطلاحی نباشد. بنابراین، به هر دسته از آیات قرآن که مضمون منسجم داشته باشد، «سوره» اطلاق می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۵۲).

بنابر آنچه گذشت، روشن شد که میان باورمندان به «بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات» بودن معنای واژه «سوره»، دیدگاه یکسانی وجود ندارد و خود نیز به چند دسته تقسیم شده‌اند: یک دسته همچون راغب اصفهانی، بقاعی، صادقی تهرانی و مصباح یزدی، معتقد به استعمال این واژه در همه آیات قرآن به معنای بخش بوده؛ دسته دیگر، مانند: طبرسی، زمخشری، فخر رازی، بیضاوی و آلوسی معتقدند، این واژه در همه آیات می‌تواند در هر دو معنای بخش مستقل و سوره کامل به کار رود و دسته سوم که مکارم شیرازی و جوادی آملی از آن جمله‌اند، این واژه را در بعضی از آیات، تنها به معنای بخش و در برخی از آیات، تنها به معنای سوره کامل دانسته‌اند.

۳-۲- دلایل بخش مستقل بودن معنای «سوره» و ارزیابی آن‌ها

برای نظریه استعمال «سوره» در قرآن کریم به معنای بخش و دسته‌ای از آیات، دلایلی را می‌توان برشمرد که به برخی از آنان در کلام معتقدان تصریح شده و به برخی نیز، به صورت ضمنی در میان استدلال‌ها اشاره شده و یا می‌تواند مورد استناد قرار گیرد که پس از بیان هر یک، مورد ارزیابی و نقد قرار خواهند گرفت.

۳-۲-۱- ناسازگاری معنای متداول «سوره» در آیات تحدی

قرآن کریم دو واژه «قرآن» و «حدیث» را به عنوان دو نام از نام‌های قرآن، در همان معنای لغوی‌شان به کار برده است؛ یعنی لفظ حدیث در قرآن کریم به معنای گفتار است و مقصود از عبارت ﴿يَحْدِيثٌ مِثْلَهُ﴾ (طور: ۳۴/۵۲) در آیات تحدی، «گفتاری همانند قرآن» است. واژه قرآن نیز هرچند بتدریج برای کل قرآن جنبه علمیت پیدا کرده، ولی اولاً، طبق نقل‌های تاریخی، آیه ﴿قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْحِجُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ﴾ (اسراء: ۸۸/۱۷)، اولین آیه‌ای است که در مورد تحدی نازل شده و دلیلی بر علم شدن واژه «هَذَا الْقُرْآنِ» در این آیه برای کل قرآن در زمان نزول این آیه در دست نیست و در نتیجه، نمی‌توان گفت که مقصود از آن، کل قرآن است، ثانیاً، هنگام نزول این آیه، هنوز بخش مهمی از

آیات قرآن نازل نشده بود و معنا ندارد که از مخالفان خواسته شود، همانند آیاتی را که از صورت و محتوای آن اطلاعی ندارند، بیاورند.

با توجه به مطالب گفته شده، اگر دو آیه یادشده درصدد تعیین مقدار معجزه قرآن باشند، دلالت ندارد که همانند کل قرآن را نمی توان آورد؛ بلکه مقصود آن است که چنین گفتاری قابل همانندآوری نیست؛ ولی از آنجا که اعجاز قرآن، چه از نظر محتوا و چه از نظر قالب، به نظم خاص حاکم بر مجموعه ای از جملات که دارای هدف و آغاز و انجام مشخصی است، بستگی تام دارد و تقطیع یک مجموعه آیات یا جملات به هم-پیوسته، نظم خاص، مزایا و برجستگی های آن را از بین می برد، از این دو آیه نمی توان اعجاز کمتر از یک مجموعه به هم پیوسته آیات قرآن را نتیجه گرفت. بنابراین، این دو واژه در قرآن کریم به معنای لغویشان استعمال شده اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۹۵).

واژه «سوره» نیز که در دیگر آیات تحدی به کار رفته است، در همان معنای لغوی اش، یعنی «بخش و طائفه ای از آیات» به کار رفته و نزدیک به معنای «فقره» در عربی و «پاراگراف» در انگلیسی و «فراز یا بخش» در کاربرد رایج فارسی است. دلیل این برداشت از مفهوم سوره، عیناً همان بیانی است که در مورد دو واژه «قرآن» و «حدیث» گذشت (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۹۶).

ارزیابی: در این استدلال، با مقایسه واژه «سوره» با دو واژه «قرآن» و «حدیث» - که ادعا شده است، به دو دلیل قرآن کریم این دو واژه را در معنای لغویشان به کار برده - این چنین نتیجه گیری شده که واژه «سوره» نیز، دقیقاً به همان دو دلیل مذکور، به معنای لغوی اش یعنی «بخشی مستقل در قرآن کریم» به کار رفته است درحالی که این مقایسه نادرست است؛ زیرا حتی با فرض صحت آن دو دلیل در لغوی بودن معانی واژگان «قرآن» و «حدیث» در آیات تحدی، آن دلایل درباره بخش بودن معنای واژه «سوره» در قرآن، صدق نمی کند.

علت بطلان دلیل اول برای بخش مستقل بودن معنای «سوره» این است که در سال های اولیه نزول قرآن، اکثر بخش ها و فقرات نازل شده قرآن مانند سوره های مسد، تکویر، اعلی، لیل، فجر، عصر، کوثر، تکویر، فیل و دیگر سوره های کوتاه مکی، به عنوان یک سوره کامل نازل شده بودند. نتیجه نزول هر فقره با یک بسم الله که به عنوان «سوره» شناخته می شد، آن بود که واژه «سوره»، معنای «مجموعه آیات نازل شده بین دو بسم الله» به خود بگیرد و واژه «سوره» به عنوان یک حقیقت شرعی بین همه مردم مکه جا بیفتد. حتی آن دسته از سوره های مکی مانند سوره های مزمل و مدثر که بعدها آیاتی مدنی به آنها اضافه شد، تا پیش از نزول آیات انضمامی آنها در مدینه، حقیقتاً، به عنوان یک سوره کامل شناخته می شدند. بنابراین، وقتی در مکه واژه «سوره» به کار می رفت، چیزی به جز یک سوره کامل بین دو بسم الله به ذهن متبادر نمی شد.

تداوم استعمال اصطلاح «سوره» دست کم در ۱۳ سال دوره مکی برای اشاره به سوره کامل بین دو بسم الله، موجب انعقاد یک اصطلاح شرعی مانند سایر اصطلاحات شرعی همچون «صلوة» بود. جالب آنکه پیش از نزول آیه تحدی به یک یا ده سوره در سوره یونس ﴿قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ﴾ (یونس: ۳۸/۱۰) و سوره هود ﴿قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ﴾ (هود: ۵۲/۱۱)، حدود ۵۰ سوره کوتاه و کامل بین دو بسم الله نازل شده بودند. بدون شک، در چنین فضائی در مکه که همگان «سوره» را به عنوان یک مجموعه کامل بین دو بسم

الله می‌شناختند، از آیات تحدی نیز همین معنا متبادر می‌شد. پس نمی‌توان ادعا کرد که واژه «سوره» در آیه تحدی سوره یونس تا آن زمان هنوز برای معنای اصطلاحی و متداول «سوره» عَلم نشده بود و به همان معنای طائفه‌ای از آیات باقی مانده بود.

در دلیل دوم نیز گفته شد، هنگام نزول آیه ۳۸ سوره یونس (آیه تحدی) هنوز تعداد زیادی از سوره‌های قرآن نازل نشده بود. پس بی‌معناست که از مخالفان خواسته شود، همانند سوره‌هایی که هنوز به چشم ندیده‌اند و نسبت به آن آگاهی ندارند، بیاورند؛ اما اولاً، این ادعا عیناً در تفسیر «سوره» به معنای بخش نیز جاری است؛ زیرا اگر «سوره» به معنای بخش و عبارت مستقل هم در نظر گرفته شود، تا زمان نزول آیه تحدی سوره یونس، هنوز تعداد زیادی از بخش‌های قرآن کریم نازل نشده بود و در این مورد نیز معنا ندارد که از مخالفان خواسته شود، همانند بخش‌ها و فقره‌هایی از قرآن بیاورند که هنوز آن‌ها را ندیده و نسبت به آن‌ها هیچ آگاهی و شناختی ندارند. بنابراین، در این اشکال میان سوره به معنای سوره کامل و سوره به معنای بخش مستقل تفاوتی وجود ندارد.

ثانیاً، اساساً این اشکال نه تنها به معنای متداول «سوره»، بلکه به هیچ یک از معنای اصطلاحی «قرآن» و «حدیث» وارد نیست؛ زیرا اگر «سوره» به معنای متداولش هم باشد و آیه ۳۸ سوره یونس به آوردن سوره متداول و کامل تحدی کرده باشد، قطعاً معنایش آن است که مخالفان اگر قادرند همانند همین سوره‌هایی که تاکنون نازل شده، بیاورند، نه سوره‌هایی که هنوز نازل نشده‌اند. درباره واژه «قرآن» نیز این چنین است؛ اگر کلمه «قرآن» در آیه ۸۸ سوره اسراء تحدی به آوردن کل قرآن شده باشد، مقصود، کل قرآن موجود تا زمان نزول همان آیه است، نه کل قرآن کنونی که در آن زمان هنوز بخشی از آن نازل نشده بود.

۳-۲-۲- سازگاری معنای بخش مستقل با برخی آیات

اگر مقصود از سوره، معنای متداول آن باشد، مناسب بود خداوند متعال در قرآن کریم به جای عبارت ﴿فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ﴾ (یونس: ۳۸/۱۰) و نظایر آن، «فَاتُوا بِمِثْلِ سُورَةِ مَنَّهُ» می‌گفت؛ چرا که عبارت «مثله» شامل کلمات و آیات و قطعه‌هایی از قرآن کریم نیز می‌شود، درحالی که سوره نیستند و کمتر از سوره به معنای متداولش هستند. پس اگر مراد خداوند متعال از تحدی به مثل قرآن، آوردن سوره کامل بود، لازم بود آن را قید کند و می‌فرمود: «فَاتُوا بِمِثْلِ سُورَةِ مَنَّهُ». بنابراین، روشن می‌شود که مراد خداوند از «سوره» قطعه و قسمتی منسجم و به هم پیوسته و با غرضی واحد بوده؛ هرچند که سوره کاملی نباشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۹۶).

ارزیابی: این سخن در صورتی صحیح است که استعمال واژه «سوره» در قرآن کریم به معنای بخش نیز صحیح باشد که آن زمان می‌توان گفت برای جلوگیری از اشتباه مخاطب، اگر مقصود خداوند از «سوره» در آیه شریفه مذکور و نظایر آن، معنای رایج و متداولش بود، یا باید قرینه‌ای ذکر می‌فرمود و یا به جای عبارت مذکور در آیه، عبارت «فَاتُوا بِمِثْلِ سُورَةِ مَنَّهُ» را بیان می‌نمود. اما با توجه به ادله دیدگاه معنای متداول «سوره»، استعمال این واژه در قرآن، فقط به معنای متداولش صحیح است و اصلاً جایی برای صحت معنای بخش وجود ندارد؛ چراکه همان‌گونه که گذشت، در سال‌های اولیه نزول قرآن، اکثر آیات نازل شده تک‌بخشی و

سوره کاملی بودند که عملاً باعث شده بود واژه «سوره» همان معنای سوره کامل را به خود بگیرد و یک حقیقت شرعی را شکل دهد.

۳-۲-۳- اختصاص درک معنای سوره کامل به مسلمانان

در صدر اسلام و در سال‌های اولیه نزول وحی، هنوز «سوره» معنای مشخص و معنای متداول امروزه‌اش را نداشت، به‌ویژه، برای کفار و منکران قرآن کریم که تحدی و هم‌اوردطلبی خطاب به آن‌ها واقع شده است. در صدر اسلام، سوره به معنای متداول و سوره کامل، تنها در میان تصدیق‌کنندگان قرآن کریم و مؤمنان به وحی شناخته شده بود. پس سوره نمی‌تواند در آن زمان، معنای سوره کامل را داشته باشد (بقاعی، ۱۹۹۲، ج ۱، ص ۱۶۵).

ارزیابی: این استدلال نیز پذیرفتنی نیست؛ به این دلایل که اولاً، این سخن دارای نوعی تناقض است؛ زیرا ابتدا به تحقق حقیقت شرعی برای واژه «سوره» نزد مسلمانان اقرار شده و سپس، معنای سوره کامل داشتن در آن زمان، ناممکن معرفی شده است؛

ثانیاً، مخاطبان تحدی و منکران رسالت پیامبر اکرم (ص) از منطقه و سرزمین بیگانه و دوردستی نبودند که معنای اصطلاحی متداول بین مسلمانان را ندانند و نسبت به آیات و سوره‌های قرآن شناختی نداشته باشند؛ بلکه از مشرکان مکه و سران قبیله قریش بودند که در میان مسلمانان زندگی می‌کردند و به وسیله گفتگو با پیامبر (ص) و تازه مسلمانان، به‌طور دائم حرف‌های آنان و قرآن کریم را می‌شنیدند و سپس، لجوجانه رسالت پیامبر (ص) و قرآن را انکار می‌نمودند. آنان با شنیدن همین سوره‌های قرآن بود که پیامبر (ص) را متهم به کذب و افتراء و جنون و شعر و غیره می‌کردند (ر.ک: سبحانی، ۱۳۸۴، صص ۱۱۸-۱۲۶ و ۱۴۰-۱۴۶)؛

ثالثاً، واژه «سوره»، چه به معنای بخشی از آیات و چه به معنای سوره کامل، در هر صورت در بین مسلمانان یک اصطلاح بود. اگر مشرکان از معنای «سوره» نزد مسلمانان اطلاع نداشتند، اساساً هیچ تصویری از واژه «سوره» نداشته‌اند؛ نه اینکه تصور شود از این واژه، معنای فقره و بخشی از آیات را می‌فهمیدند؛ زیرا واژه «سوره» به جز درباره قرآن کریم بین عرب متداول نبود که مثلاً به بخشی از سخنان یک شخص یا به چند بیت شعر یا بخشی از کتاب‌های آسمانی پیشین «سوره» بگویند. واژه «سوره» یک اصطلاح اسلامی بود و اگر مشرکان معنای آن نزد مسلمانان را نمی‌دانستند، هیچ درکی از آن نداشته‌اند.

۳-۲-۴- ناسازگاری اعجاز قرآن کریم و آیات تحدی با معنای متداول «سوره»

اگر حداقل مقدار معجزه قرآن را سوره به معنای متداول آن بدانیم، لازمه‌اش آن است که بپذیریم آوردن همه آیات سوره‌ای مانند سوره بقره، بدون یک آیه یا چند آیه آن از سوی بشر امکان‌پذیر است یا اگر کسی مطالبی همانند بخش عظیمی از آیات چنین سوره‌ای را آورده، بتوانیم ادعا کنیم که مابقی را نمی‌تواند بیاورد و یا همانند قرآن را هنوز نیاورده است. روشن است که چنین ادعایی نه با ظاهر آیات تحدی سازگار است، نه اثبات آن جز بر اساس قول به صرفه یا اعتماد به سماع و نقل میسر است و مشخص است که ظاهر آیات تحدی، با قول به صرفه و اثبات اعجاز از طریق نقل سازگار نیست (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۹۶).

ارزیابی: اولاً، اینکه بگوییم کسی قدرت آوردن سوره‌ای مانند سوره بقره را ندارد، به این معنا نیست که قدرت آوردن مشابه اکثر آیات آن را دارد و فقط قدرت آوردن مشابه تمام آن را ندارد؛ مانند اینکه بگوییم کسی نمی‌تواند کوه دماوند را جابجا کند که به این معنا نیست که می‌تواند قسمت عظیمی از آن را جابجا کند یا حتی کوه کوچکتری را جابجا کند. اینکه کسی قدرت آوردن مانند سوره کوثر یا توحید را ندارد، موجب نمی‌شود که بگوییم سوره بقره، تحدی ندارد، با این استدلال که تحدی به چنین سوره بزرگی، به معنای قدرت داشتن هم‌وردی به بخش عظیمی از آیات آن است.

ثانیاً، مشابه همین استدلال به عنوان نقض بر آن قابل طرح است. اگر گفته شود که تحدی به سوره به معنای یک مجموعه و بخشی کامل از آیات است، مستلزم آن است که بشر قدرت آوردن بخش عظیمی از یک فقره کامل را دارد، اما نمی‌تواند مثلاً برای آن پایانی تعیین کند یا سرآغازی قرار دهد مگر طبق قول صرفه. ثالثاً، اگر این گونه که در این استدلال گفته شده، همانندآوری و مثل آوردن یک سوره کامل، یک همانندی دقیق و کامل در تمام جزئیات باشد، پس در «سوره» به معنای بخش نیز باید این همانندی، کاملاً دقیق و بدون یک کلمه کم یا زیاد رعایت شود. مثلاً، اگر در همانندآوری سوره‌ای همچون سوره بقره با ۲۸۶ آیه، تعداد آیات سوره مشابه‌اش هم نباید ۲۸۴ یا ۲۸۵ آیه شود؛ چون بنابر اعتقاد آنان، در این صورت مشابهت کامل صدق نمی‌کند. پس در همانندآوری یک بخش ۵۰ کلمه‌ای، بخش جدید نیز باید دقیقاً ۵۰ کلمه باشد و در غیر این صورت مثلاً، اگر ۴۹ یا ۵۱ کلمه‌ای باشد، این بخش جدید مثل آن بخش قرآنی آورده نشده است؛ چون کلمه‌ای کم یا بیش دارد. این حرف را حتی درباره میزان حروف هر بخش نیز می‌توان زد.

بنابراین در این ادعا، میان معنای متداول و بخش مستقل بودن «سوره» تفاوتی نیست و در صورت صحت، باید در هر دو جاری شود؛ اما باید گفت، این استدلال از اساس نادرست است؛ چون نه بخش، تعداد کلمات خاصی دارد و نه سوره کامل، تعداد آیات خاصی. هیچ‌کدام از آن اعداد آیات و کلمات سوره‌های قرآن کریم هم مدخلیتی در این ندارد که سوره اگر از آن مقدار کمتر یا بیشتر باشد، دیگر سوره نباشد، بخش نیز همین‌گونه است. به عبارت دیگر، نه تعداد کلمات و حروف در صدق عنوان بخش دخالت دارند و نه تعداد آیات در صدق عنوان سوره دخالت دارند.

۳-۲-۵- معنای متداول «سوره» و فراهم شدن زمینه بهانه‌جویی مشرکان

در آیات تحدی، اگر «سوره» به معنای متداول و رایج آن دانسته شود و منکران به همانندآوری سوره کامل، هم‌اوردطلبی شده باشند، جای این اشکال و ادعا برای مشرکان باقی می‌ماند که بگویند: هنوز بخش زیادی از سوره‌های قرآن نازل نشده است و ممکن است در صورت نزول آن بخش از سوره‌ها در آینده، ما توانایی و قدرت آوردن برخی از آن سوره‌هایی که اکنون از صورت و محتوای آنان آگاهی نداریم، داشته باشیم. از آنجا که امکان چنین ادعایی از جانب مشرکان، توسط آیات تحدی سلب شده است، روشن می‌شود مراد از «سوره» در این آیات بخش و عبارتی مستقل و نه سوره کامل است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۵).

ارزیابی: این اشکال هیچ ارتباطی با تفسیر «سوره» به معنای کامل ندارد؛ بلکه حتی اگر «سوره» به معنای بخش و عبارت مستقل هم در نظر گرفته شود، همین اشکال قابل طرح است؛ زیرا حتی با تحدی شدن مشرکان به آوردن بخش و عبارتی مثل بخش‌های قرآنی، جای این ادعا برای آنان باقی می‌ماند که بگویند:

هنوز بخش‌های زیادی از قرآن نازل نشده و ممکن است در صورت نزول آن بخش‌ها، ما توانایی و قدرت آوردن برخی از آن‌ها را که اکنون از صورت و محتوای آنان آگاهی نداریم، داشته باشیم. بنابراین، این اشکال میان سوره به معنای متداول و سوره به معنای بخش، یکسان است. علاوه بر آنکه اساساً این اشکال وارد نیست؛ زیرا «سوره» چه به معنای متداول امروزی چه به معنای مجموعه مستقلی از آیات، وقتی مورد تحدی قرار گرفته، به این معناست که تا زمان نزول اولین آیه تحدی، سوره‌ها و بخش‌های زیادی از قرآن کریم نازل شده است که اگر کسی الهی و فرابشری بودن آن را انکار کند، باید یک سوره یا بخش مشابه سوره و بخش‌های نازل شده را بیاورد. از این رو، همین‌که مشرکان نتوانند سوره‌ها و بخش‌هایی را که تا آن زمان نازل شده بود، هم‌اوردی کنند، الهی بودن منشأ قرآن کریم اثبات می‌شود، حتی بدون در نظر گرفتن سوره‌ها و بخش‌هایی که در آینده نازل خواهند شد.

۳-۲-۶- تناسب بیشتر ظاهر برخی از آیات با معنای بخش مستقل برای «سوره»

ظاهر برخی از آیات قرآن کریم که واژه «سوره» در آن‌ها به کار رفته، با معنای بخش سازگارتر است؛ همچون آیه ﴿وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهَدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ﴾ (توبه: ۸۶/۹): و هنگامی که سوره‌ای نازل گردد که ایمان به خدا بیاورید و همراه پیامبرش جهاد کنید، ثروتمندان و قدرتمندان از منافقان از تو اجازه می‌خواهند [که در جهاد شرکت نکنند]؛ زیرا در قرآن کریم، سوره کاملی یافت نمی‌شود که کل محتوای آن سوره، دستور به ایمان به خدا و پیکار با دشمنان باشد. پس مشخص می‌شود که منظور از سوره در اینجا، آیه یا آیاتی است که امر به ایمان و جهاد کرده‌اند که همان معنای بخش مستقل برای سوره است (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۴۴/صادقی تهرانی، ۱۴۳۲، ج ۱۵، ص ۳۴۴).

ارزیابی: اگر تنها به ظاهر همین آیه توجه شود، ممکن است ظاهر در معنای بخش و طائفه‌ای از آیات دانسته شود؛ اما باید توجه داشت که سوره توبه از آخرین سوره‌های نازل شده از قرآن کریم و مربوط به سال‌های پایانی نزول قرآن است؛ یعنی زمانی که بیش از ۱۰۰ سوره کامل بین دو بسم‌الله نازل شده و بیش از ۲۰ سال مسلمانان اصطلاح «سوره» را برای سوره‌های کامل بین دو بسم‌الله به کار می‌بردند. در چنین فضائی مشخص است که این آیه سوره توبه نیز، به همان معنای سوره کامل متبادر می‌شود.

به همین دلیل برخی از مفسران در این آیه بعد از «أَنْزَلَتْ سُورَةٌ» معنای «فیها» را در تقدیر گرفته‌اند (ر.ک: مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۸۸/طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۶، ص ۳۷۴) تا معنای آیه این‌گونه بیان شود: «هنگامی که سوره‌ای نازل شود که در بخشی از آن سوره، دستور به ایمان به خدا و پیکار با دشمنان داده شده است...»؛ و بدین وسیله نشان دهند مقصود از سوره، همان سوره کاملی است که به یک حقیقت شرعی بین مسلمانان تبدیل شده است.

۴- «سوره» به معنای متداولش یعنی «مجموعه کامل آیات آغاز شده با بسم‌الله» در قرآن

کریم

در این بخش ابتدا از مفسران و قرآن‌پژوهانی که به استعمال واژه «سوره» در آیات قرآن کریم به همان معنای متداول و امروزی‌اش باور دارند، نام برده می‌شود و سپس ادله دیدگاه آن‌ها تبیین می‌شود.

۴-۱- باورمندان به معنای متداول برای واژه «سوره» در قرآن کریم

در طول تاریخ اسلام، مشهور مفسران و قرآن‌پژوهان، کاربرد واژه «سوره» در قرآن کریم را به معنای متداول آن، یعنی سوره کامل دانسته‌اند، مفسرانی همچون سمرقندی (۱۴۱۶، ج ۲، ص ۸۰)، مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳، ج ۲، ص ۱۷۹)، طبری (۱۴۱۲، ج ۱۲، ص ۸)، شیخ طوسی (بی‌تا، ج ۵، ص ۴۵۷)، جرجانی (۱۴۳۰، ج ۲، ص ۹۷)، ابوالفتوح رازی (۱۴۰۸، ج ۹، ص ۳۱۷)، ابن عطیه (۱۴۲۲، ج ۳، ص ۶۸)، ثعالبی (۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۷۵)، شریف لاهیجی (۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۱۹)، شبر (۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۸)، آل غازی (۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۰۲)، ابن عاشور (۱۴۲۰، ج ۱، ص ۸۳)، عبدالحسین طیب (۱۳۶۹، ج ۷، ص ۲۰)، طنطاوی (۱۹۹۷، ج ۲، ص ۱۰۳۰)، علامه شعرانی (۱۳۸۶، ج ۲، ص ۹۱۶)، علامه طباطبایی (۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۷۸) و...

به عنوان نمونه، ابن عاشور نام‌گذاری قطعه‌های معین قرآن به سوره را از مصطلحات قرآن می‌داند. به اعتقاد وی، این نام‌گذاری در میان عرب عصر نزول، حتی مشرکان رواج پیدا کرده بود و زمانی که قرآن در سوره هود و بقره به یک سوره یا ده سوره تحدی کرده است، این اصطلاح با آنکه ویژه قرآن است، برای تمام اعراب آن زمان کاملاً شناخته شده بود (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۸۳).

به باور طباطبایی، خدای تعالی چند آیه را یک سوره نمی‌خواند؛ هرچند که آن آیات متعدد باشد، مگر آنکه آن چند آیه، مشتمل باشد بر غرضی الهی، متمایز از غرض‌هایی که در سوره‌های دیگر استیفاء شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۰، ص ۲۴۸). به بیان دیگری از ایشان، «سوره» به معنای پاره‌ای از کلمات و جمله بندی‌هایی است که همه برای ایفای غرضی آورده شده باشد و از کلماتی است که قرآن کریم آن را وضع کرده و هر دسته از آیاتش را یک سوره نامیده و استعمال آن در کلام خدای تعالی مکرر آمده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۷۸).

آیت الله معرفت نیز معتقد است، این کلمه برای اولین بار در یکی از آیات تحدی در سوره یونس نازل شده است: ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ﴾ (یونس: ۳۸/۱۰) و به معنای سوره کامل می‌باشد. از نظر ایشان بعید است که نامی غیر از سوره بر مجموعه‌های مستقل قرآنی اطلاق شده باشد و اگر چنین بود، در تاریخ ثبت شده بود (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۳۶).

۴-۲- ادله «سوره» به معنای متداول امروزی‌اش

برای نظریه کاربرد «سوره» در قرآن کریم به معنای متداولش، یعنی سوره کامل دلایل زیر مورد استناد قرار گرفته است:

۴-۲-۱- علم شدن معنای سوره کامل برای واژه «سوره»

واژه «سوره» اولین بار در قرآن کریم، وقتی نازل شد که پیش از آن، ۵۰ سوره کامل بین دو بسم‌الله نازل شده بود؛ یعنی زمانی که «سوره» یک حقیقت شرعی و یک معنای متبادری نزد مسلمانان برای خود پیدا کرده بود. بخش‌ها و مجموعه آیاتی که در مکه در هر مرحله نازل می‌شدند، با یک بسم‌الله همراه بودند و یک «سوره» به معنای امروزی را شکل می‌دادند. نتیجه نزول هر فقره با یک بسم‌الله که به عنوان «سوره» شناخته می‌شد، آن بود که «سوره» به یک اصطلاح شرعی تبدیل شود که مقصود از آن «مجموعه آیات نازل شده بین دو بسم‌الله» باشد.

حتی آن دسته از سوره‌هایی مثل سوره علق که گفته شده در دو مرحله، اما با یک بسم‌الله نازل شده‌اند، هیچ‌گاه دو سوره نامیده نمی‌شد و چنین سوره‌هایی در هیچ روایت نبوی یا سخنی از صحابه با تعبیر تثنیه یا جمع به کار نرفته‌اند در حالی که اگر اصطلاح «سوره» به معنای بخش‌های مستقل نازل شده قرآن، نه یک سوره کامل بود، باید از سوره علق، با عنوان تثنیه «سورتی العلق» یا جمع «سُور العلق» یاد می‌شد. بنابراین، نزول مکرر و متعدد سوره‌های مکی، موجب انعقاد معنایی شناخته شده نزد مسلمانان شد که وقتی واژه «سوره» به کار می‌رفت، چیزی به جز یک سوره کامل بین دو بسم‌الله به ذهن متبادر نمی‌شد.

۴-۲-۲- عدم استعمال «سوره» در روایات نبوی و سخن صحابه به معنای بخش مستقل

حتی پس از آنکه در مدینه، بخش‌های مستقلی از قرآن کریم نازل می‌شد که کمتر از یک سوره اصطلاحی بود، چنانکه در سوره بقره، بخش‌های متعددی مستقل نازل شده‌اند؛ باز هم در روایات نبوی یا سخن صحابه مشاهده نمی‌شود که از بخش‌های مستقل، با عنوان «سوره» یاد کرده باشند و مثلاً، برای آیه‌الکرسی یا آیه دین یا سایر مجموعه آیات مستقل قرآنی، تعبیر «سوره» را به کار برده باشند و یا برای یک سوره مشتمل بر بخش‌های مستقل متعدّد مثل سوره بقره، از تعبیر جمع مثل «سُور البقره» یاد کرده باشند. آنچه در روایات و سخن مسلمانان صدر اسلام مشاهده می‌شود آن است که آنان، «سوره» را تنها به مجموعه آیات نازل شده بین دو بسم‌الله به کار می‌بردند. این مطلب نشان می‌دهد که «سوره» از همان عهد اول اسلامی، یک معنای معین و شناخته پیدا کرده بود و در خارج از آن به کار نمی‌رفت.

۴-۲-۳- فقدان معنای لغوی متداول از واژه «سوره» پیش از اصطلاح اسلامی

شاید یکی از دلالتی که برخی معنای «سوره» را بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات پنداشته‌اند، این تصور باشد که این معنا، معنای لغوی «سوره» بوده است پیش از آنکه معنای اصطلاحی آن در سوره کامل شکل بگیرد. اینکه در تعبیر برخی از قرآن‌پژوهان (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۶، صص ۱۹۵-۱۹۶)، بارها از معنای «بخشی و طائفه‌ای آیات» به عنوان معنای لغوی یاد کرده‌اند، بیانگر همین تصور است.

این درحالی است که «سوره» در لغت هیچ‌گاه برای متن و سخن به کار نرفته و اصطلاح «سوره»، یک اصطلاح اسلامی پس از نزول قرآن کریم است و پیش از آن به هیچ متن یا سخنی «سوره» گفته نمی‌شد. برای مثال، اجزای تورات، انجیل و زبور نه در زمان عرب جاهلی و نه در زمان مسلمانان، به نام «سوره» شناخته نمی‌شد (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۸۳). همچنین، بر اشعار شاعران یا سخنی از یک خطیب یا وصیتی از یک شخص و دیگر مطالب، واژه «سوره» اطلاق نمی‌گردید.

بنابراین، درست نیست که تصور شود «سوره» طبق معنای لغوی اش، ابتدا به بخشی مستقل از آیات گفته می‌شد و سپس، یک معنای اصطلاحی به معنای سوره کامل به خود گرفت. حقیقت آن است که «سوره» چه به معنای بخشی از آیات و چه به معنای سوره کامل، در هر صورت یک اصطلاح اسلامی است و ادعای مقصود بودن بخشی از آیات از این اصطلاح، نیازمند ارائه مستندات از استعمال و رواج این معنا در میان مسلمانان است در حالی که در استعمالات روایی و تاریخی، چنین استعمال متداولی یافت نمی‌شود.

۴-۲-۴- عدم گزارش از تطوّر معنای «سوره»

چنانکه اشاره شد، سیر تاریخی نزول قرآن کریم نشان می‌دهد، در صدر اسلام و سال‌های ابتدایی نزول وحی، هر بخشی از قرآن کریم که بر پیامبر اکرم (ص) نازل می‌گشت، به خودی خود یک سوره کامل بود؛ زیرا غالب سوره‌هایی که در سال‌های اولیه نزول قرآن، همانند حمد، توحید، علق، قلم، مزمل، مدثر، تکویر، اعلی، شمس و غیره نازل می‌گشتند، سوره‌های کوتاه و در حد یک بخش مستقل بودند و هرکدام از آن‌ها به وسیله بسم‌الله از یکدیگر متمایز می‌شدند که به هر یک از آن‌ها، عنوان «سوره» می‌نهادند. بنابراین، عملاً این اتفاق شکل گرفت که به هر یک از این بخش‌ها و به عبارت دیگر، به هر یک از این سوره‌های کامل و کوتاه، اصطلاحاً «سوره» می‌گفتند. به همین علت در آن زمان، هنگامی که سخن از نزول سوره‌ای به میان می‌آمد، برای هیچ‌کس این تصور پیش نمی‌آمد که شاید منظور، بخشی از یک سوره کامل باشد. به تعبیر دیگر، با نزول سوره‌های کوتاه و متعدد در ابتداء نزول قرآن، معنای «سوره» از بدو شکل‌گیری، در معنای یک سوره کامل شکل گرفت و نه در بخشی از یک سوره.

از سوی دیگر، هیچ گزارش و شاهدهی از رخ‌دادن تغییر و تطوّر در معنای «سوره» یافت نمی‌شود که گفته شود اصطلاح «سوره» در ابتدا به ویژه در مکه، در معنای سوره کامل تبادل پیدا کرده بود، اما سپس در مدینه با نزول بخش‌بخش سوره‌ها و نزول مجموعه آیات مستقل، معنای «سوره» دچار تحول معنایی شد و به مجموعه آیات مستقل که سوره کامل نبودند، «سوره» گفته شد.

مشخص است که نزول سوره‌های مدنی در قالب بخش‌های مستقل، موجب اطلاق نام «سوره» بر هر بخش نیست؛ بلکه آنچه می‌تواند این تحول معنایی را اثبات کند، به کار بردن نام «سوره» برای بخشی کمتر از سوره در استعمالات متداول بین مسلمانان است. البته، این استعمالات باید به اندازه‌ای کثرت داشته باشند که بتوانند معنای جدیدی از «سوره» را برای این واژه به عنوان مشترک لفظی تعیین کنند و یا با طردشدن معنای سابق، معنای حقیقی ثانوی برای آن به وجود بیاورد. در غیر این صورت، حتی به کار رفتن واژه «سوره» در چند استعمال، آن را از باب مجاز تلقی خواهد کرد که نیازمند قرینه محکم خواهد بود.

از آنجا که چنین استعمالات فراوانی برای اثبات اشتراک معنوی یا معنای ثانوی وجود ندارد، معنای حقیقی از واژه «سوره»، همان معنای متبادر آن، یعنی سوره کامل خواهد بود و در آیات قرآن کریم نیز، باید همین معنا از آیات مبنا قرار گیرد مگر آنکه قرینه محکمی وجود داشته باشد که بر مجازی بودن استعمال تعبیر «سوره» در یک آیه دلالت داشته باشد.

بر این اساس و با توجه به ضعف‌ها و اشکالات موجود در ادله «بخش مستقل و طائفه‌ای از آیات» بودن معنای «سوره»، به نظر می‌رسد، نظریه معنای متداول و رایج، یعنی همان سوره کامل، برای واژه «سوره» در آیات قرآن از قوت بیشتری برخوردار است.

نتیجه‌گیری

از تحقیق حاضر، نتایج ذیل بدست آمد:

۱. درباره معنای واژه «سوره» در آیات قرآن کریم، دو دیدگاه اصلی وجود دارد: دیدگاهی که معنای واژه «سوره» را بخش و مجموعه‌ای از جملات یا آیات منسجم و مرتبط و به هم پیوسته می‌داند و دیدگاهی که معنای این واژه را به همان معنای متداول امروزه‌اش که سوره کامل است، تفسیر می‌کند.
۲. برای دیدگاه «بخش و طائفه‌ای از آیات» بودن معنای واژه «سوره» در قرآن کریم، شش دلیل اقامه شده است که همگی دارای ضعف بوده و نقدهایی بر هریک از آن‌ها وارد است.
۳. برای نظریه کاربرد «سوره» در قرآن کریم به معنای متداول و امروزه آن (سوره کامل) نیز، دلایل زیر مورد استناد قرار گرفته است: علم بودن معنای سوره کامل برای واژه «سوره»، عدم استعمال «سوره» در روایات نبوی و سخن صحابه به معنای بخش مستقل، فقدان معنای لغوی متداول از واژه «سوره» پیش از اصطلاح اسلامی و عدم گزارش از تطوّر معنای «سوره».
۴. با توجه به ضعف ادله و مستندات دیدگاه معنای «بخش و طائفه‌ای از آیات» برای واژه «سوره» در قرآن کریم، نمی‌توان نظریه مذکور را به عنوان وجهی صحیح در تفسیر این واژه پذیرفت؛ بلکه در تفسیر آیات قرآن کریم باید همان معنای متبادر از «سوره» یعنی سوره کامل مبنا قرار گیرد، مگر آنکه قرینه محکمی وجود داشته باشد که بر مجازی بودن استعمال تعبیر «سوره» در یک آیه دلالت کند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

۱. آل غازی، ملاحویش سید عبد القادر؛ *بیان المعانی*؛ دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
۲. آلوسی، محمود بن عبد الله؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن درید، محمد بن حسن؛ *جمهرة اللغة*؛ بیروت: دار العلم للملایین، بی تا.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر؛ *التحریر و التنویر*؛ بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
۵. ابن عطیة، عبد الحق بن غالب؛ *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ *لسان العرب*؛ ج ۳، بیروت: دار صادر، بی تا.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*؛ مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۸. بقاعی، ابراهیم بن عمر؛ *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*؛ ج ۲، قاهره: دار الکتب الاسلامی، ۱۹۹۲م.
۹. بیضاوی، عبد الله بن عمر؛ *انوار التنزیل و اسرار التأویل*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۰. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد؛ *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۱. جرجانی، عبد القاهر بن عبد الرحمن؛ *درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم*؛ عمان: دارالفکر، ۱۴۳۰ق.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله؛ *تسنیم*؛ ج ۸، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸ش.
۱۳. حجتی، سید محمدباقر؛ *پژوهشی در تاریخ قرآن کریم*؛ تهران: فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۱۴. خرقانی، حسن؛ *هماهنگی و تناسب در ساختار قرآن کریم*؛ تهران: انتشارات قلمرو، ۱۳۸۰ش.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ *مفردات الفاظ القرآن*؛ بیروت: دار القلم، بی تا.
۱۶. رامیار، محمود؛ *تاریخ قرآن*؛ ج ۳، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۹ش.
۱۷. زمخشری، محمود بن عمر؛ *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*؛ ج ۳، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۸. سبحانی، جعفر؛ *فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام*؛ ج ۱۶، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۴ش.
۱۹. سمرقندی، نصر بن محمد؛ *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۰. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن؛ *الاتقان فی علوم القرآن*؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۶ق.
۲۱. شبر، عبد الله؛ *تفسیر القرآن الکریم*؛ ج ۲، قم: مؤسسة دار الهجرة، ۱۴۱۰ق.
۲۲. شریف لاهیجی، محمد بن علی؛ *تفسیر شریف لاهیجی*؛ تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ش.
۲۳. شعرانی، ابوالحسن؛ *پژوهش های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین*؛ ج ۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۲۴. صادقی تهرانی، محمد؛ *التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم*؛ قم: دفتر مؤلف، ۱۴۳۲ق.
۲۵. _____؛ *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*؛ ج ۲، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۲۶. طباطبایی، محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۲، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۲۸. _____؛ *تفسیر جوامع الجامع*؛ قم: حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
۲۹. طبری، محمد بن جریر؛ *جامع البیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ق.

۳۰. طریحی، فخرالدین بن محمد؛ *مجمع البحرین*؛ ج ۳، تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۳۱. طنطاوی، سید محمد؛ *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*؛ قاهره: نهضت مصر، ۱۹۹۷م.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۳. طیب، عبدالحسین؛ *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*؛ ج ۲، تهران: نشر اسلام، ۱۳۶۹ش.
۳۴. فخر رازی، محمد بن عمر؛ *مفاتیح الغیب*؛ ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی؛ *معارف قرآن؛ قرآن شناسی*؛ تحقیق: غلامعلی عزیزی کیا، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶ش.
۳۶. معرفت، محمدهادی؛ *علوم قرآنی*؛ ج ۵، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۸۷ش.
۳۷. مقاتل بن سلیمان؛ *تفسیر مقاتل بن سلیمان*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ *تفسیر نمونه*؛ ج ۱۰، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.